

نظریهٔ همنشینی افتراقی

با نگاه به آیات قرآن و روایات*

□ نفیسه متولی‌زاده نایینی^۱

چکیده

در مباحث جرم‌شناسی، به عنوان علمی که به مطالعهٔ عوامل و فرایندهای فعل مجرمانه می‌پردازد و با شناسایی این عوامل و فرایندها، بهترین روش‌ها را برای غلبه و یا تخفیف این آفت اجتماعی تعیین می‌کند، نظریات مختلفی با رویکردهای متفاوت در خصوص علل جرم بیان شده است. نظریهٔ همنشینی افتراقی (Differential Association) ساترلند (Sutherland) مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های یادگیری در مباحث جرم‌شناسی است. در این نوشتار، سعی می‌شود ایدهٔ همنشینی افتراقی با نگاهی به آیات قرآن و روایات مورد بررسی قرار گیرد. در این مقاله، برآنیم که ببینیم آیا با تکیه بر دیدگاه‌های موجود در قرآن کریم و احادیث، می‌توان الگوی نظری اجتماعی را دربارهٔ آثاری که همنشینی می‌توانند در سوق دادن فرد به جرم داشته باشند، ارائه داد. در واقع هدف، امکان‌سنجی طرح یک نظریهٔ اجتماعی، دربارهٔ رفتار مجرمانه براساس آموزه‌های اسلامی می‌باشد.

واژگان کلیدی: همنشینی، یادگیری، نفوذ اجتماعی، قرآن، روایات.

مقدمه

از جمله سخنانی که از دانشمندان علوم اجتماعی به ما رسیده و پیوسته گفته و تکرار می‌شود، این است که انسان، طبیعتاً اجتماعی است. معنای این سخن، آن است که انسان بر حسب فطرت و سرشت خود ناگزیر است با هم‌نوعان خود پیوند برقرار نماید و به‌طور اجتماعی با آنها به سر برد. این غریزه‌ای است که خداوند در انسان‌ها به ودیعت نهاده تا زندگی آنان استقامت یابد و امورشان سامان پذیرد، چه انسان قادر نیست، به تنهایی مراحل زندگانی را که از هر سو مشکلات و ناملایمات بدان احاطه دارد و پر از سختی‌ها و دشواری‌ها و مقرون به انواع خطرهایست، بگذراند و ناگزیر است از دیگران یاری و کمک بخواهد. بنابراین، از آنجا که انسان در طول زندگی در معرض مشکلاتی قرار می‌گیرد که نمی‌تواند به تنهایی در برابر آنها ایستادگی کند، لذا هر فردی، کسی یا کسانی از هم‌نوعان خویش را به عنوان هم‌نشین خود انتخاب کرده و رابطه‌ای استوار و پیوندی مستحکم با آنان برقرار می‌کند (جمال‌خواه، ۳۱، ۱۳۸۲).

بنابراین، معاشرت با دیگران حقیقتی است که فطرت و طبیعت همه انسان‌ها به آن کشش دارد و در وجود انسان به اندازه‌ای قوی است که آن را جزء غرایز طبیعی انسان می‌دانند. این غریزه طبیعی و کشش فطری به این دلیل است که خداوند، انسان را مدنی و اجتماعی آفریده است و تأمین بخشی از نیازهای مادی و معنوی انسان را به عهده دیگران قرار داده است و چون انسان اجتماعی است، باید در جامعه زندگی کند و به منظور رفع نیازها و مشکلات خود، با دیگران ارتباط برقرار کند و هم‌نشینی برای خود برگزیند.

با توجه به ضرورت معاشرت و اهمیت آن در سرنوشت انسان، ساترلند به عنوان یکی از مشهورترین جرم‌شناسان نظریه‌پرداز، این مسأله را مد نظر قرار داده و نظریه هم‌نشینی افتراقی را برای تبیین رفتار مجرمانه به کار برده است. او بر این نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی به همان روشی یاد گرفته می‌شود که هر رفتار دیگری آموخته می‌شود (Hopkins Burke, 2005, 86). در فرایند یادگیری، معاشران فرد، هنجارهای حقوقی و اجتماعی را به عنوان امور مناسب یا نامناسب تعریف می‌کنند و فرد این

تعاریف را از آنان فرا می‌گیرد. شخص به این دلیل که در معرض تعاریفی قرار می‌گیرد که قانون‌شکنی را بر احترام به قانون ترجیح می‌دهند، بزهکار می‌شود (Akers, 2009, 22). این رویکرد را ساترلند برای نخستین بار در سال ۱۹۳۹ و در نخستین ویراست‌های کتاب خود با نام «اصول جرم‌شناسی» مطرح ساخت و به تدریج و با همکاری رونالد. ر. کرسی (Ronald. R. Cressy) آن را در ویراست‌های بعدی کتاب، کامل نمود (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۳، ۸۹). پس از مرگ او، کرسی در ادامه این راه کوشید و کوشش‌های وی در جهت بهینه ساختن ابعاد این الگو، آن را به یکی از تبیین‌های ماندگار رفتار مجرمانه بدل ساخته است.

گزاره‌های نظریه ساترلند به شرح زیر می‌باشد:

۱. رفتار مجرمانه مانند هر رفتار دیگری، یاد گرفتنی است.
۲. فراگیری رفتار مجرمانه، از طریق کنش متقابل با دیگران و در خلال فرایند برقراری ارتباط اجتماعی صورت می‌گیرد.
۳. بخش عمده یادگیری رفتار مجرمانه، در درون گروه‌های شخصی و خودمانی به وقوع می‌پیوندد.
۴. یادگیری رفتار مجرمانه، شامل آموختن فنون ارتکاب جرم و جهت‌یابی خاص انگیزه‌ها، استدلال‌ها و نگرش‌ها می‌شود.
۵. جهت‌یابی انگیزه‌ها و تمایلات محرک، تابعی است از تفسیر مساعد یا نامساعد مقررات قانونی (در برخی از گروه‌های اجتماعی، فرد، خود را در بین اشخاصی می‌یابد که اطاعت از قانون و رعایت مقررات قانونی را امری لازم می‌شمارند و تفسیرهای آنان درباره قانون، بر محور احترام و لزوم اجرای آن دور می‌زند و حال آنکه در گروه‌های اجتماعی دیگر، خود را در میان اشخاصی می‌یابد که تخلف از مقررات قانونی را مطلوب می‌انگارند).
۶. فرد هنگامی بزهکار می‌شود که تفسیرهای نامساعد درباره اعتبار و احترام به قانون بر تفسیرهای مساعد فائق آید.
۷. پیوندهای افتراقی از نظر فراوانی، مدت زمان، اولویت و قدرت نفوذ، متفاوت می‌باشند. اینکه یک شخص یاد بگیرد که از قانون اطاعت کند یا آن را رعایت

نکند، متأثر از کیفیت روابط و تعاملات اجتماعی است. تعاملات بلندمدت پایدار نسبت به تعاملات کوتاه مدت، دارای تأثیر بیشتری هستند. به همین ترتیب تماس‌های مستمر و فراوان نسبت به تماس‌های متناوب و اتفاقی تأثیر بیشتری دارند. ساترلند مقصود خود را از اولویت مطرح نکرده، اما کرسی و دیگران عبارت را به مفهوم سن کودکان در زمانی که با نخستین تعاریف مجرمانه مواجه می‌شوند، تفسیر کردند. تماس‌هایی که در آغاز زندگی حاصل می‌شوند، نسبت به تماس‌هایی که در سال‌های بعد زندگی حاصل می‌شوند، دارای تأثیر بیشتر و گسترده‌تری هستند. سرانجام، قدرت نفوذ معمولاً به معنای اهمیت و اعتباری است که اشخاص یا گروه‌ها نسبت به کسانی که اعمال و تعاریف را از آنها آموخته‌اند، قایل می‌شوند. به عنوان مثال، تأثیر یک پدر، مادر یا یک دوست مطمئن، بسیار با اهمیت‌تر از تأثیر اشخاص بیگانه می‌باشد.

۸. فرایند یادگیری رفتار مجرمانه در همنشینی، شامل تمام سازوکارهایی است که در هر نوع یادگیری دیگر وجود دارد.

۹. در حالی که رفتار مجرمانه، مبین نیازها و ارزش‌های اجتماعی است، آن را با این نیازها و ارزش‌ها نمی‌توان تبیین کرد، زیرا رفتار غیرمجرمانه نیز، مبین همین نیازها و ارزش‌هاست. سارقین به طور کلی دزدی می‌کنند تا پول به دست آورند، اما برخلاف آنها کارگران برای دستیابی به پول کار می‌کنند (Walter, 1990, 22).

بنابراین افراد در همنشینی‌های خویش با افراد جامعه، تعریف‌هایی را فرا می‌گیرند که گاه موافق و گاه مخالف با رفتارهای مجرمانه است. اگر تعریف‌هایی که کنش‌های بزهکارانه را قابل قبول می‌نمایاند، با پشتوانه قوی‌تر از تعریف‌های مخالف با رفتار مجرمانه به فرد القا شود و فرد در دفعات بیشتری با این دسته تعاریف مواجه گردد، احتمال اینکه مرتکب جرم شود، بیشتر است و همچنین عامل سن هم، از اهمیت بسزایی برخوردار است و اقتضای سن کودکان و نوجوانان، پذیرش بیشتر اثرات محیط است و بدآموزی چنین جوانانی مزید علت است و در نتیجه، رفت و آمد با دوستان بد، کودک و نوجوان را به سرعت در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد. افزون بر انتقال تعریف‌های مجرمانه، همنشینان همچنین می‌کوشند تا با بهره‌گرفتن از ابزارها و

ترفندهای خاص، فرد را وادارند که به دلخواه آنان فکر، احساس و رفتار کند. این واقعیت را روانشناسان اجتماعی «نفوذ اجتماعی» می‌نامند. به نظر ساترلند، این عنصر را به ویژه می‌توان در همنشینی با گروه همسالان و در شکل فشار گروه دید (وایت و هینز، ۱۶۰، ۱۳۸۶).

به‌طور خلاصه، از نظر ساترلند در جامعه‌ای که دارای خرده فرهنگ‌های گوناگون و متعددی است، برخی محیط‌های اجتماعی معمولاً مشوق فعالیت‌های غیرقانونی هستند، در صورتی که محیط‌های دیگر چنین نیستند. افراد از طریق ارتباط با دیگران که حامل هنجارهای تبهکارانه هستند، از مسیر صحیح خارج می‌شوند. در عین حال، اکثر رفتارهای مجرمانه در درون گروه‌های نخستین، به ویژه گروه‌های همسالان فراگرفته می‌شود، نتیجه آنکه فعالیت‌های مجرمانه و تبهکارانه همانند فعالیت‌های تابع قانون، به عنوان فعالیت‌های آموختنی و به‌طور کلی در جهت نیازها و ارزش‌های مشابه در نظر گرفته می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۷، ۱۴۰). بنابراین، می‌توان نکته‌ی اساسی و شایان توجه در نظریه ساترلند و کرسی را، معرفی رفتارهای مجرمانه به عنوان پدیده‌ای اکتسابی و آموختنی دانست. نظریه یاد شده، همچنین دو عنصر فشار گروه همسالان و فرهنگ‌های مجرمانه را از اهمیتی کانونی برخوردار می‌داند.

در این مقاله، با تحلیل محتوای قرآن و منابع تفسیری و احادیث و روایات در خصوص همنشین و تأثیر او در رفتارهای انسان، در دو قسمت سعی می‌شود که محتوای نظریه ساترلند در هر یک از منابع فوق‌الذکر بررسی گردد. این تحقیق، در راستای بومی‌سازی مطالعات مربوط به جرم می‌تواند راهگشا باشد. از طرف دیگر، نیاز نظام قضایی کشور به سیاست‌های انطباق‌پذیر با آموزه‌های اسلامی و یافته‌های علمی، تنها با مطالعات تطبیقی و دقیق در این دو قلمرو و یافتن موارد همخوان و کاربردی کردن آنها برآورده می‌شود.

تأثیر همنشینی در قرآن کریم و روایات

در منابع دینی، در اینکه همنشین خوب چه کسی است و با چه کسانی باید همنشین بود و از معاشرت و همنشینی با چه کسانی باید پرهیز کرد، مطالب بسیاری مطرح شده است.

معاشران هر کس، مبنای قضاوت دیگران نسبت به اخلاق و شخصیت و افکار اوست. ارتباط قلبی و درونی میان انسان‌ها، به پیوندهای اجتماعی و بیرونی می‌انجامد و روابط اجتماعی هم در روحيات و اخلاق افراد اثر می‌گذارد. انسان به هر درجه‌ای از علم و تقوا که برسد، باز هم تحت تأثیر افکار همنشینان خود قرار می‌گیرد. محیط اجتماعی و مردمانی که با آنان در ارتباط هستیم، بر ما تأثیر می‌گذارند. از این رو، علاوه بر اینکه لازم است، هر شخصی با افراد شایسته و آگاه همنشینی کند، موظف است از مصاحبت با افراد نادان پرهیز نماید تا از مفسد اخلاقی و محدودیت فکری آنان، در امان بماند. آئین مقدس اسلام، در این زمینه پیروان خویش را رهبری نموده و در خصوص همنشینی و تأثیر همنشین و انتخاب آن، آیات و احادیث بسیاری وجود دارد که به بررسی برخی از آنها خواهیم پرداخت.

الف. اثرگذاری همنشینی در قرآن

قرآن کریم، اثرگذاری همنشینی را پذیرفته است. در آیات قرآن، ناپسندی همنشین بد و آثار سوء و عواقب وخیم آن مورد تصریح قرار گرفته است و تعبیرهای قرآن در این راستا، هشدار قطعی به مسلمانان است که مراقب ارتباطات خود باشند و از آثار سوء همنشینی با بدان و دوستی با منحرفان پرهیزند.

هرگز نمی‌توان اثرپذیری از معاشران و هم صحبتان را انکار کرد. حشر و نشر با صالحان و نیکان، سازنده و تعالی‌بخش است و نشست و برخاست با افراد شرور و فرومایه، تباہ کننده و ویرانگر است. قرآن کریم از کسانی یاد می‌کند که در اثر همنشینی با انسان‌های فاسد و گمراه، از راه سعادت بازمانده و گمراه شده‌اند. آنها در روز رستاخیز - که روز پدیدار شدن دریغ‌ها و حسرت‌هاست - برای این انتخاب نادرست خود به شدت افسوس می‌خورند و می‌گویند، «و روزی که مردم ظالم، پشت دست حسرت به دندان گرفته و گویند: ای کاش من در دنیا با رسول حق راه دوستی و طاعت پیش می‌گرفتم - کاش فلانی (شخص گمراه) را دوست نمی‌گرفتم - او بود که پس از هدایت، مرا به گمراهی کشید، آری دوستی شیطان مایه گمراهی است».

به این ترتیب ستمگران در قیامت، نخست از ترک رابطه با پیامبر و سپس از ایجاد

رابطه با افراد فاسد اظهار تأسف می‌کنند و با صراحت، عامل اصلی گمراهی خود را همین دوستان منحرف و آلوده معرفی می‌کنند و از تعبیر آخرین آیه استفاده می‌شود که دوستان بد، جزء لشکر شیطان هستند.

همچنین در آیه ۴۵ سوره مدثر، به یکی از علل دوزخی شدن بعضی از انسان‌ها اشاره شده که در جواب این سؤال که چرا دوزخی شده‌اید، می‌گویند: «پیوسته با اهل باطل، همنشین و همصدا بودیم». و نیز مطابق آیه ۹۹ سوره شعراء، کافران در جهان آخرت، از اینکه با مجرمان و افراد ناآگاه مجالست و همنشینی داشته‌اند، پشیمان می‌باشند.

معاشرت و دوستی با افراد غیر صالح، موجب شد که فرزند حضرت نوح علیه السلام از اهل نوح علیه السلام به حساب نیاید. در آیه ۴۶ سوره هود در پاسخ به حضرت نوح علیه السلام که نجات فرزندش را می‌خواست، آمده است که:

«ای نوح، او از خاندان تو نیست، او عملی است ناصالح، از سر ناآگاهی از من چیزی نخواه. برحذر می‌دارم تو را که از مردم نادان باشی».

آیات ۶۰ تا ۸۲ سوره کهف، ماجرای همراهی حضرت موسی علیه السلام و خضر علیه السلام را به تصویر کشیده‌اند. در این تصویر، آیه ۷۴ این سوره، از زمانی می‌گوید که آن دو در مسیر راه به نوجوانی رسیدند، خضر علیه السلام او را کشت:

«و باز روان شدند تا از دریا گذشته به پسری برخوردند، او پسر را بی‌گفتگو به قتل رسانید. باز موسی علیه السلام گفت، آیا نفس محترمی که کسی را نکشته بود بی‌گناه کشتی؟ همانا کار بسیار ناپسندی کردی».

سپس در آیه ۸۰ می‌بینیم که خضر علیه السلام، هنگام جدایی از موسی علیه السلام، پرده از اسرار کارهای خود بر می‌دارد و در بیان علت رفتار خود می‌گوید:

«و اما نوجوان، پدر و مادرش مؤمن بودند، پس ترسیدم آن دو را به طغیان و کفر بکشد».

قرآن کریم با این تعبیر، فرزند ناصالح را زمینه‌ساز گرایش پدر و مادر به کفر و طغیان معرفی کرده است.

همچنین در آیه ۲۵ سوره فصلت، در بیان مجازات این جهانی کافران و فاسقان می‌خوانیم که:

«برای آنان همدمانی قرار دادیم تا بر ایشان مسلط شوند و آنچه را داشتند و می‌خواستند داشته باشند، در نظرشان بیاریند».

واژه «قیضنا» در این آیه، از ماده «قیض» در اصل به معنی پوست روی تخم مرغ است. مواردی که افرادی کاملاً بر انسان مسلط می‌شوند، مانند تسلط پوست بر تخم مرغ به کار رفته است و استفاده از این کلمه، اشاره به این موضوع دارد که دوستان تبهکار و فاسد، آنها را از هر سو احاطه می‌کنند، افکارشان را می‌دزدند و چنان بر آنان چیره می‌شوند که حس تشخیص خود را از دست دهند و زشتی‌ها در نظر آنها زیبا می‌گردد و چنین حالتی برای انسان بسیار دردناک است، زیرا به آسانی در گرداب فساد فرو می‌رود و درهای نجات به روی او بسته می‌شود. گاهی ماده «قیضنا» در مورد تبدیل چیزی به چیز دیگری نیز به کار رفته است و در این صورت، معنا و تفسیر آیه چنین می‌شود که دوستان صالح را از آنها می‌گیریم و به جای آنها دوستان فاسد به آنها می‌دهیم.

همین معنا به صورت گویاتری در آیات ۳۶ و ۳۷ سوره زخرف آمده است:

«هرکس که از یاد خدای رحمان روگرداند، شیطانی بر او می‌گماریم که همراهش باشد - و آن شیطان‌ها - آنها را از راه خدا باز می‌گردانند، ولی پندارند که هدایت یافتگانند».

به راستی هنگامی که به جمع ظالمان و مفسدان و تبهکاران نظر می‌افکنیم، جای پای این شیاطین را در زندگی آنها به خوبی مشاهده می‌کنیم. اطرافیان اغواگر که آنها را از هر سو محاصره کرده، بر مغز و فکر آنها چیره می‌شوند و حقایق را در نظرشان وارونه جلوه می‌دهند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۹، ۲۶۱/۲۰).

بنابراین در این آیات، قرآن کریم ضمن آنکه از همنشین بد به عنوان نوعی مجازات کافران و تبهکاران در این جهان یاد کرده، یادآور شده است که این همنشینان، کسی را که از هدایت پروردگارش دور شده، احاطه می‌کنند و بدی‌هایش را برای او می‌آریند تا آنجا که راهی برای هدایت نمی‌یابد (مدرسی، ۱۴۹۱، ۲۱۰/۱۲).

آیات بیان شده، نشان می‌دهند که اسلام اهمیت فراوانی برای همنشینی و همنشینان قائل است و آثار آنها را بر شخصیت و رفتار فرد، منزلت اجتماعی و حتی زندگی او در این جهان و سرنوشتش در جهان آخرت، بسیار تعیین کننده و مهم می‌داند.

۱. یادگیری

همانگونه که قبلاً بیان شد، ساترلند و همکارش کرسی در نظریه خود مدعی بودند افراد، رفتارهای مجرمانه، شیوه‌ها و فنون ارتکاب این رفتارها و همچنین نگرش‌ها، سوگیری‌ها، ایده‌ها، انگیزه‌ها، سائق‌ها و توجیه‌هایی را که از آنها پشتیبانی می‌کنند، از همنشینان خود می‌آموزند. این فرایند یکی از نکاتی است که در آیات قرآن کریم، مورد توجه قرار گرفته و می‌توان آن را در نمونه‌های زیر ملاحظه نمود:

«بعضی رو به بعضی دیگر کرده، سؤال می‌کنند و جواب می‌شنوند؛ یکی از آنها می‌گوید مرا همنشینی بود (در دنیا)؛ که می‌گفت آیا تو از آنها هستی که تصدیق می‌کنند؟ آیا آنگاه که مردیم و خاک و استخوان شدیم، کیفرمان می‌دهند؛ سپس می‌گوید (ای دوستان بهشتی) آیا شما می‌توانید از او خبر بگیرید؟ اینجاست که به جستجو برمی‌خیزد و نگاهی می‌کند، ناگهان او را در وسط جهنم می‌بیند؛ به او می‌گوید، به خدا نزدیک بود، مرا به هلاکت افکنی و اگر موهبت پروردگار نبود، من نیز از احضارشدگان در دوزخ بودم» (صافات/۵۷ - ۵۰).

موضوع این آیات، داستان دو همنشین مؤمن و بی‌ایمان است که یکدیگر را در جهان آخرت ملاقات می‌کنند. در این ملاقات، فرد مؤمن با همنشین غیرمؤمنش از بحث‌های اعتقادی سخن می‌گوید که در دنیا با یکدیگر داشتند. آنگاه اعتراف می‌کند که اگر رحمت خداوند نبود، از این بحث‌های اعتقادی و نگرش‌هایی که او به وی القا می‌کرد، اثر می‌پذیرفت و به هلاکت می‌افتاد.

در آیات ۱۳۸ تا ۱۴۰ سوره نساء می‌خوانیم:

«منافقان را بشارت ده که عذابی دردآور برایشان آماده شده است - کسانی که به جای مؤمنان، کافران را به دوستی برمی‌گزینند، آیا عزت و توانایی را نزد آنان می‌جویند، در حالی که عزت به تمامی از آن خداست - و از این پیش، در این کتاب بر شما نازل کرده‌ایم که چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می‌کنند و آن

را به ریشخند می‌گیرند، با آنان منشنید تا آنگاه که به سخنی دیگر پردازند و گرنه شما نیز، همانند آنها خواهید بود و خدا همه منافقان و کافران را در جهنم گرد می‌آورد».

در آیات ۶۸ و ۶۹ سوره انعام نیز آمده است:

«و چون ببینی که در آیات ما از روی عناد گفتگو می‌کنند، از آنها رویگردان شو تا به سخنی جز آن پردازند و اگر شیطان تو را به فراموشی افکند، چون به یاد آمد با آن مردم ستمکار منشین و بر کسانی که پرهیزکارند، عقوبت حساب بدکاران نخواهد بود ولیکن فقط بر آنهاست که بدان را متذکر سازند شاید از کار خود پرهیز کنند».

همچنین آیه ۲۸ سوره آل عمران و آیات ۵۷ و ۵۸ سوره مائده، مؤمنان را از دوست گرفتن و همنشینی با کافران و کسانی که دین و نماز را به سخره می‌گیرند، پرهیز داده است.

چنانکه می‌بینیم در این آیات، خداوند از گروه‌هایی سخن می‌گوید که در همنشینی با مؤمنان، «دین»، «آیات خداوند»، «اذان» و «نماز» را تخطئه، استهزا یا انکار می‌کنند و به اجتناب از معاشرت با چنین افرادی، توجهی جدی شده است. از نگاه مفسران، این مسأله بدان معناست که آنان، ایده‌ها، نگرش‌ها و توجیه‌هایی را به همنشینان مؤمن خود انتقال می‌دهند که باورها، بینش‌ها و ارزش‌های خود آنان را تضعیف می‌کرد و برای پذیرفتن باورها و ارزش‌های جدید، آماده‌شان می‌ساخت. (فضل الله، ۱۴۱۹، ۲۳۵/۸).

به اعتقاد ساترلند و کرسی، افراد در معرض هردو نوع تعریف‌ها و القائات موافق و مخالف با رفتار مجرمانه قرار می‌گیرند و مجرم شدن فرد، محصول غلبه تعریف‌های موافق با آن است. پس نتیجه گرفتند که مثلاً ممکن است نگرش‌های مجرمانه‌ای که فرد در همنشینی با مجرمان کسب می‌کند، بر اثر همنشینی با رهروان راست تغییر یابد. آیات ۵۱ تا ۵۷ سوره صافات که پیشتر نکاتی در مورد آن بیان شد، نشان می‌دهند که افراد، همزمان با اثر گذاری‌های همنشینان، تحت تأثیر عوامل دیگری هم قرار می‌گیرند و این عوامل، آثار همنشینان را خنثی می‌کنند. این آیات از زمانی می‌گویند که همنشین مؤمن در جهان آخرت از برخوردهایی که در این جهان با همنشین غیر مؤمنش داشته، سخن می‌گوید و یادآور می‌شود که نزدیک بوده القائات او در باورهایش خلل بیفکند

و او را به هلاکت بیندازد. سپس سوگند یاد می‌کند که نعمت پروردگار به عنوان نوعی عامل معنوی و ماورای طبیعی، سبب شده است تا با وجود اثرگذار بودن آن سخنان، از آنها اثر نپذیرد.

آیات ۲۸ سوره آل عمران و آیات ۶۸ و ۶۹ سوره انعام که پیشتر بیان شد، به وجود عوامل مادی‌ای اشاره می‌کنند که می‌توانند آثار همنشینی را تضعیف یا خنثی کنند. این آیات، ابتدا مؤمنان را از دوست گرفتن کافران و همنشینی با کسانی که آیات خدا را انکار و استهزا می‌کنند، پرهیز داده‌اند و در ادامه، در این خصوص مواردی را استثنا کرده‌اند و این همنشینی‌های ممنوع را در شرایط خاصی مجاز دانسته‌اند. اغلب مفسران برآنند که این آیات، دو عنصر «روحیه پرهیز در خود فرد» و «پرهیز دادن و تذکر به همشینیان» را عامل‌هایی می‌دانند که سبب می‌شوند این همنشینی‌ها، حتی آنگاه که کافران مشغول استهزا و تخطئه هستند، ممنوع به حساب نیایند. به گفته آنان، معنای آیات آن است که اگر افرادی از خدا پروا و از هم‌نوا شدن با کافران پرهیز داشته باشند یا آنکه به قصد تذکر دادن و پرهیز دادن از گناه با آنها همنشینی کنند، گناه منحرفان را برایشان نخواهند نوشت (طوسی، ۱۳۷۶، ۱۶۶/۴). یعنی آنان، این دو عامل روانی را مانع اثرپذیری افراد از همشینیان کافر و تضعیف‌کننده آثار آنها می‌دانند. بنابر این از نظر قرآن، این امکان هست که عناصری در خلال همنشینی‌ها وجود داشته باشند که آثار همنشینیان را تضعیف یا خنثی کنند یا مانع اثرگذاری شوند.

۲. تأثیر شدت تماس و قدرت نفوذ در میزان یادگیری

آیه ۸۰ سوره کهف که پیشتر بیان شد، از نوجوانی می‌گوید که ممکن بود پدر و مادرش را به طغیان و کفر بکشد و نیز آیات ۸ سوره عنکبوت و ۱۵ سوره لقمان به فرزندان هشدار می‌دهند که اگر والدین کوشیدند، آنان چیزی را شریک خدا بدانند که بدان علم ندارند، از ایشان اطاعت نکنند.

این آیات، نشان دهنده شدت اثرگذاری همنشینی در محیط خانواده می‌باشد و می‌توان گفت که این مضمون با نکته زیر در نظریه همنشینی افتراقی همخوانی دارد:

«چنانچه فرد با اعضای کجرو خانواده همنشین باشد، احتمال کجرو شدنش بیشتر است» (سلیمی و داوری، ۴۰، ۱۳۸۶).

شدت تماس و ارتباط با دیگران و قدرت نفوذ آنها در فرد، از جمله ملاک‌هایی است که ساترلند در ارتباط با سنجش میزان تمایلی که ممکن است از راه همنشینی نسبت به رفتارهای مجرمانه یا بهنجار ایجاد شود، مطرح نموده است. بنابراین، به دلیل شدت تماس فرد با اعضای خانواده و قدرت نفوذ آنها در او، تأثیر اعضای خانواده بیشتر از تأثیر اشخاص بیگانه می‌باشد.

۳. نفوذ اجتماعی

در رابطه‌ای که میان همنشینان شکل می‌گیرد، یکی از واقعیتهای آن است که آنان، می‌کوشند همنشین یا همنشین‌هایشان، همانند خودشان یا به دلخواه آنها رفتار کنند. ساترلند و کرسی در نظریه خود به وجود این واقعیت در همنشینی‌های گروه‌های همسالان جوان و نوجوان توجه داده‌اند. آنان از فشاری یاد می‌کنند که این گروه‌ها بر فرد وارد می‌آورند تا او را به انجام عمل خاصی وادارند (وایت و هینز، ۱۶۰، ۱۳۸۶). روانشناسان اجتماعی این فرایند را «نفوذ اجتماعی» نامیده‌اند و آن را کوششی می‌دانند که واحدهای اجتماعی مختلف، برای ایجاد تغییر در عقاید یا رفتار دیگران به کار می‌برند (کریمی، ۱۳۷۳، ۱۰۴).

بررسی مطالبی که در آیات قرآن در زمینه تحلیل ارتباط میان همنشینان وجود دارد، نشان دهنده توجهی است که اسلام به ابعاد نفوذ اجتماعی در این رابطه‌ها دارد و آن را یکی از عوامل مهم تغییر رفتار در خلال همنشینی می‌داند.

در آیه ۲۰۲ سوره اعراف، نقش همنشینان را در ترغیب به استمرار رفتارهای انحرافی و درگیر ساختن بیشتر فرد در آن بیان کرده است. در این آیه آمده است که شیطان‌های انس و جن، هم‌سازان خود و کسانی را که با آنها پیوند برادری و دوستی دارند، در گمراهی فرو می‌برند و در این کار، باز نمی‌ایستند. به گفته مفسران، شیوه‌های این کار، عبارت است از تقویت و استمرار وسوسه‌ها، فریفتن، تشویق به گمراهی با فراهم ساختن اسباب آن، همراهی و همکاری، تزئین وضعیتی که فرد در آن است، نیکو جلوه دادن

گناهان یا مشغول کردن ذهن فرد برای آنکه زشتی و عیب عمل را در نیابد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۹، ۶۷/۷) آیه ۶ سوره جن نیز، در بیانی مشابه از آدمیانی می گوید که به مردانی از جن پناه می بردند و آنان بر سرکشی شان می افزودند:

«و همانا مردانی از نوع بشر بودند که به مردانی از گروه جن پناه می برند و بر غرور و جهل آنها می افزودند».

از نگاه قرآن، همنشینان می توانند با بهره گرفتن از فشارهای ارزشی و عاطفی و متقاعد ساختن فرد، باورها و رفتارش را تغییر دهند و سبب همنوایی او با خود شوند. آیات ۱۱۲ و ۱۱۳ سوره انعام، همنوایی را از آثار نفوذ همنشینان شمرده اند. آیه اول از دشمنانی از جنس شیاطین انس و جن می گوید که در برابر هر پیامبری قرار می گیرند و در پنهان، برای یکدیگر نیز سخن به فریب می گویند، تا امر را بر مخاطبان مشتبه سازند. آیه دوم در بیان نتایج این پیوندها می گوید:

«کسانی که رستخیز را باور ندارند، با نگاه موافق این القانات را می شنوند، دل هایشان به آنها متمایل می شود، به آنها رضایت می یابند و اینان نیز در آن عاقبت بد که اهریمنان را سزاوار است می افتند» (طباطبایی، ۱۴۷۱، ۳۲۱/۱۰).

آیه ۱۴۰ سوره نساء نیز که پیشتر خواندیم، یادآور می شود که همنشینی با کسانی که آیات خدا را انکار و استهزا می کنند، می تواند سبب شود که مثل آنان شویم. در واقع معنای این همانندی، نوعی همگرایی با این سخنان و راضی شدن به آنها یا مماثلت در رفتارهاست.

با توجه به آیات ذکر شده و نیز عنایت قرآن به مضمون گزینش همنشین، می توان اثرگذاری دو سویه همنشینی و رفتارهای مجرمانه را بدان نسبت داد. بدین شکل که همنشینی با افراد مجرم، به ایجاد یا تقویت رفتارهای مجرمانه می انجامد.

ب. اثرگذاری همنشینی در احادیث و روایات

موضوع مجالست و همنشینی و ارتباط با دیگران، مسأله ای است که حضرات معصومین علیهم السلام به طور مبسوط بدان پرداخته اند. یکی از اصول زندگی معصومین علیهم السلام که همه آنها به طور مشترک، اهمیت بسیار به آن می دادند، دقت در انتخاب همنشین و

دوست بود. آنها در این راستا توجه دقیق و جدی داشتند که دوستان و همنشینان نیک برای خود برگزینند و از همنشینی با ناهلان به طور قاطع دوری کنند و همچنین به پیروان خویش نیز از یک طرف، به ارتباط و معاشرت با انسان‌های برجسته توصیه نموده و از طرف دیگر، از معاشرت با انسان‌های ظالم، فاسق و بزهکار نهی فرموده‌اند.

در متون اسلامی، بابی تحت عنوان «مجالست و تأثیر مجالست» هم در جهت مثبت و هم در جهت منفی مطرح شده است و در این خصوص که مجالست صالحان، آثار نیک فوق العاده دارد و نیز مجالست بدان، دارای آثار سوء زیادی می‌باشد. نصوص پیاپی و پیوسته از اهل بیت اطهار علیهم‌السلام وجود دارد که در این قسمت، سعی می‌شود این روایات و احادیث که مردم را به گرفتن دوستان و معاشران صالح و نیکوکار و برحذر بودن از رفاقت و مصاحبت با تبهکاران و مفسدان تشویق می‌کند، مورد بررسی قرار گیرد. البته در روایات موجود در باب معاشرت با دیگران، به این تشویق و تحذیر بسنده نشده، بلکه صفات همنشین شایسته و نیکوکار که سزاوار رفاقت است و نیز صفات زشت و ناپسند همنشین بد، بیان شده است. لازم به ذکر است که در مورد این بُعد مهم زندگی، اخبار و روایات وارده، از معصومین علیهم‌السلام فراوان و بسیار است که مطرح نمودن تمام آنها در این گفتار امکان پذیر نیست.

حدیث‌های متفاوت و متعددی نشان می‌دهند که امامان علیهم‌السلام، آثاری را که همنشینی‌ها بر رفتار و شخصیت افراد دارند، عامل تعیین کننده‌ای در تحلیل واقعیت‌های رفتاری و اخلاقی انسان می‌دانند. در خصوص تأثیرپذیری انسان از همنشینان خویش، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرمایند:

«مثل همنشین شایسته و خوب، مثل عطار است، اگر از عطر خودش هم به تو ندهد، ولی از بوی خوش او به تو می‌رسد و مثل همنشین بد، همچون کوره پز آهنگری است که اگر لباس تو را هم نسوزاند، ولی بوی کوره به تو می‌رسد». (شعبی، ۱۳۶۳، ۱۸۳)

و نیز در حدیثی، ده چیز را اسباب ایمنی دانسته که یکی از آنها، ترک همنشینی با نادانان و سفیهان می‌باشد:

«ده چیز اسباب ایمنی است، نه تازی این ده چیز، در سکوت و خاموشی است، فکر

در یاد خدا و دهمین آن، ترک همنشینی با نادانان و سفیهان است» (کراچکی، ۱۳۹۴، ۷۰).

پیامبر اکرم ﷺ، همنشین بد را همچون پاره‌ای از آتش دانسته‌اند که نه دوستی با او مفید خواهد بود و نه او به عهد و پیمان خویش وفادار است، «از همنشینی با شخص بد و ناشایست بپرهیز، زیرا او همچون پاره‌ای از آتش است، نه دوستی‌اش به تو سود می‌رساند و نه به عهد و پیمان خویش وفادار است» (متقی هندی، ۱۴۱۰، ۴۵/۹).

اشخاصی که با افراد نااهل و بد سیرت رفت و آمد می‌کنند، هر چند بتوانند از خود مراقبت نمایند و مواظب باشند که به آلودگی‌های آنان، گرفتار نشوند، اما هرگز نخواهند توانست خود را از رسوایی و تنگ و بدنامی اجتماعی محفوظ دارند. بدنامی، یک اثر قهری است که بر اثر معاشرت و همنشینی با افراد بزهکار، دامن انسان را خواهد گرفت و همین بدنامی و تخریب شخصیت، به مرور زمینه بدبینی اجتماعی و انزوا و گوشه‌گیری و در نتیجه، افتادن در دام بزهکاری و خلاف را فراهم خواهد کرد.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در این زمینه می‌فرمایند: «سزاوارترین اشخاص به اتهام و تهمت، کسانی هستند که همنشین اشخاص متهم (فاسد و گمراه) باشند» (نوری، ۱۴۰۸، ۳۳۹/۸).

اثر همنشینی در اخلاق و رفتار به سرعت آشکار می‌گردد. از این رو، سفارش شده است که انسان با افراد ناآگاه و بی‌دین همنشینی نداشته باشد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«با کسی که دینت را به مخاطره می‌افکند، همنشین مشو» (همان، ۳۰۸/۱۲).

و نیز فرموده‌اند:

«همنشینی با اهل هوا و هوس، دور کننده ایمان و نزدیک کننده شیطان برای انسان است» (فیض الاسلام، ۱۲۰۴، ۱۳۷۵).

و در مورد اینکه همنشینی با بدان، پیامدی جز بدبینی و تهمت و زیان‌های جبران‌ناپذیر نخواهد داشت، فرموده‌اند:

«همنشینی با بدان، سبب بدبینی می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۳۱).

در اصول کافی از حضرت علی علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«در باره کسانی که با آنها به گفتگو می‌پردازید، دقت کنید، زیرا هر کس، مرگش فرا رسد، دوستانش در نزد او حاضر می‌شوند، اگر آنها نیک باشند، او نیک است و اگر بد باشند، او نیز بد است. هیچ کس نمی‌میرد مگر اینکه در هنگام مردن، دوستانش در برابر او مجسم می‌شوند» (کلینی، ۱۳۸۶، ۷۹۲/۴).

و در فراز دیگری فرمودند،

«از همراهی با بدان، بدی به دست می‌آید، مانند باد که هر وقت از کنار تعفنی عبور کند، تعفن به همراه خواهد داشت» (تمیمی آمدی، ۴۳۱، ۱۳۶۶).

در حدیث دیگری، ایشان همنشینان ناباب را همچون آتش، زیان‌بخش و ویرانگر می‌دانند. زیرا نتیجه این نوع ارتباطات، از دست دادن صفات انسانی و سجایای اخلاقی است و دوست بد، همنشین خود را به کارهای ناشایست تشویق کرده و از کارهای خوب و مفید باز می‌دارد:

«از همنشینی با بدکرداران پرهیز که آنان همچون آتش هستند، همنشینی با آنان، انسان را می‌سوزاند» (همان، ۴۳۱).

همچنین حضرت در وصیت‌های خود به امام حسن مجتبی علیه السلام، در سه مورد به تأثیر مثبت و منفی معاشرت‌ها اشاره نموده و می‌فرمایند،
«به نیکوکاران پیوند و با آنان قرین و همنشین باش تا از آنها شوی و از بدان جدایی کن تا از ایشان نباشی».

«جدایی از نادان برابر است با پیوستن به خردمند».

«پیش از راه، از همراه و پیش از خانه، از همسایه پیرس» (تمیمی آمدی، ۹۳۰، ۱۳۶۶).

بنابراین، حضرت به طور صریح، بودن با خوبان و نیکوکاران و گسستن از بدان و تبه‌کاران را، سبب نیکوکار شدن و مصونیت از تبه‌کاری معرفی نموده و اهمیت همراه و همسایه را پیش از راه و خانه دانسته‌اند.

و نیز می‌فرمایند:

«خیر دنیا و آخرت در پوشانیدن و حفظ اسرار و همنشینی با نیکان گرد آمده و همه شر، در پخش اسرار و دوستی با اشرار جمع شده است» (مفید، ۱۴۱۳، ۲۱۸).

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است که فرموده‌اند:
«آنکه با همنشین بد، همنشین شود، سالم نمی ماند» (نوری، ۱۴۰۸، ۳۳۹/۸).

«با وجود سه چیز به سه چیز امید نداشته باشید... به امنیت در دنیا با وجود همنشینی با بدکاران» (نوری، ۱۴۰۸، ۳۴۰/۶).

هرچند برخوردار نبودن از دوست و همنشین و تنها زندگی کردن، علاوه بر مشکلات دنیوی، خسارت‌ها و ناگواری‌هایی را در سرای دیگر به دنبال دارد، اما هرگز نباید فراموش کرد که دوستی با افراد ناشایست و همنشینی با گناهکاران و افراد ناباب، به مراتب از نداشتن همنشین زیان بارتر است؛ زیرا کسی که همنشین و دوست خوب ندارد، از برکات و تجربیات او، هنر و کمالات مادی و معنوی که ممکن بود بر اثر معاشرت با افراد شایسته نصیبش شود، محروم می‌گردد و مجبور می‌شود، به تنهایی در راه‌های پریچ و خم زندگی گام بردارد. اما آن کسی که همنشین بد و ناشایسته دارد، نه تنها به رشد و درجات عالی از کمال نمی‌رسد، بلکه ارزش‌های وجودی و فضایل ذاتی و انسانی خود را نیز، که قانون خلقت در اختیارش قرار داده، از دست می‌دهد و در نتیجه به محرومیت‌ها و مشکلات دنیوی و نیز عذاب‌های اخروی گرفتار می‌شود.

امام علی علیه السلام، تنهایی را بهتر از همنشینی با افراد فاسد بد می‌دانند:
«به تنهایی مانوس تر باش، تا به دوستان بد» (تمیمی آمدی، ۴۳۱، ۱۳۶۶).

امام سجاد علیه السلام نیز در این مورد که تنهایی به مراتب بهتر از همنشینی با افراد ناشایست است، فرموده‌اند:

«با صاحبان دین و معرفت همنشین شوید، اگر نتوانستید چنین افرادی را بیابید، انس گرفتن به تنهایی بهتر است و برای سلامتی دین انسان شایسته‌تر می‌باشد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۹۶/۷۱).

حدیث‌های متعدّد دیگری از نقشی سخن گفته‌اند که همنشینی با نیکان می‌تواند در رشد معنوی انسان داشته باشد. در دو سخن متفاوت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم که

هرگاه خداوند برای بنده‌ای خیر بخواهد، برای او یاور صالحی قرار می‌دهد و همنشینی با کسانی را که از یاد خدا روی گردانند، در نظرش ناپسند می‌سازد:

«هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، برای او یاور صالحی قرار می‌دهد که اگر او را فراموش کند، به یادش می‌آورد و آنگاه که به یاد اوست، یاریش می‌کند» (احسائی، ۱۴۰۵، ۲۸۴/۱).

«هرگاه خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد... همنشینی با کسانی را که از یادش روی گردانند، در نظرش ناپسند می‌دارد» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۳۳۶/۶۸).

همانگونه که دوستی و همنشینی با افراد شرور، باعث نابودی افراد می‌شود، معاشرت با نیکان، مایه شرافت و بزرگی و اخلاق نیکو می‌شود. در این زمینه امام علی علیه السلام فرموده‌اند:

«معاشرت با نادانان، موجب فاسد شدن اخلاق است و اخلاق نیکو در معاشرت با خردمندان است» (کراجکی، ۱۴۱۰، ۱۹۹) و نیز می‌فرمایند، «با اهل فضیلت بیامیز، تا شرافت و کرامت یابی». (تمیمی آمدی، ۴۲۹، ۱۳۶۶)

و «همنشینی با خردمندان، به شرافت و بزرگی انسان می‌افزاید» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۴۳۰). همانگونه که ملاحظه می‌شود سخنان معصومان علیهم السلام به روشنی، گستره و میزان اهمیت همنشینی و همنشینان و آثار آنها را از نظر اسلام نشان می‌دهد. مجموع این سخنان، هشدار می‌دهند که همنشینی، بستر تأثیر پذیرفتن از دیگران است و اینکه این تأثیر می‌تواند کجروانه باشد و فرد را به سوی رفتارهای مجرمانه سوق دهد.

۱. یادگیری

فرازهای زیر، سخنانی هستند که یاد آور می‌شوند، فرد، رفتارهای مجرمانه و فنون ارتکاب آنها را از همنشینانش می‌آموزد. امام صادق علیه السلام در این زمینه فرموده‌اند:

«با معصیت کار همراه نشو، زیرا کارهای زشت را به تو می‌آموزد» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳، ۱۶۹/۱).

و نیز از فرمایشات ایشان است که:

«با کسانی رفاقت کن که با رفاقتشان، ایمانت را زیاد کنند و با فاسق رفاقت مکن،

زیرا از او فسق و فجور می‌آموزی و در کار خدا با کسانی مشورت کن که از پروردگارشان می‌ترسند» (فتال نیشابوری، بی تا، ۴۳۳/۲).

در کتاب اصول کافی، نقل شده است که لقمان به فرزندش گفت،

«به مردم زیاد نزدیک نشو که سبب دوری از دل‌های آنان شوی و یا یکسره از آنها دوری کنی که مورد بی‌اعتنایی واقع شوی و خوار و بی مقدار گردی. هر جنبنده‌ای ممنوع خود را دوست دارد و به راستی که آدمی نیز ممنوع خود را دوست دارد. کارهای پسندیده‌ات را نزد مخالفین آن کارها بازگو مکن، زیرا همانطور که میان گرگ و گوسفند دوستی برقرار نمی‌شود، میان خوش کردار و بدکردار هم دوستی به وجود نمی‌آید. هر کسی که به قیر نزدیک شود، مقداری به او می‌چسبد. همچنین هر کس که با بدکار شریک شود، روش‌های او را می‌آموزد و هرکس که ستیز و جدال کردن را دوست داشته باشد، ملامت می‌شود و هرکس که در مکان‌های تهمت‌آمیز وارد شود، متهم می‌گردد و هرکس با همنشین بد جفت شود، سالم نماند و هر کس زبان خود را نگه ندارد پشیمان می‌گردد» (کلینی، ۱۳۸۶، ۴/۸۰۰).

در نصایح لقمان حکیم علیه السلام علاوه بر موضوع اثر گذار بودن همنشینی، مضمون یادگیری رفتارهای ناپسند از افراد بدکار در اثر معاشرت با آنها - که یکی از محورهای اصلی نظریه همنشینی افتراقی را تشکیل می‌دهد - با صراحت مورد توجه قرار گرفته است. علامه مجلسی در توضیح آیه ۱۱۲ سوره انعام، مضمون مشابهی را بیان کرده است. چنانکه دیدیم این آیه از دسته‌ای از دشمنان پیامبران می‌گوید که شیطان و از جنس انسان و جن هستند و اینکه آنان، حتی برای یکدیگر نیز سخنان فریبنده می‌گویند. به گفته او، این کارگزاران ابلیس، یکدیگر را می‌بینند و به هم می‌گویند من همنشین خود را این گونه گمراه کردم، تو نیز همنشینت را به همین شکل گمراه کن. آنگاه سخنی از امام باقر علیه السلام را به عنوان شاهدی بر درستی برداشت خود ذکر می‌کند:

«همانا شیطان‌های جن و انس یکدیگر را ملاقات می‌کنند. در این ملاقات‌ها، یکدیگر را از شیوه‌ها و ابزارهایی که مردم را با آنها اغوا می‌کنند، آگاه می‌سازند و آنها را از هم فرا می‌گیرند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۶۰/۱۵۰).

در میان احادیث معصومان علیهم السلام مواردی مانند حدیث حمران بن اعین، توجه منابع اسلامی را به این نکته نشان می‌دهد که ممکن است آثار همنشینی‌ها و همنشینان، تحت

تأثیر عوامل دیگری از جمله همنشینان و همنشینی‌های متفاوت، تقویت یا تضعیف شوند. مطابق این حدیث، یکی از یاران امام باقر علیه السلام به نام حمران بن اعین به ایشان می‌گوید:

«هرگاه خدمت شما شرفیاب می‌شویم، دل‌هایمان رقت و خاطرهایمان از غم‌ها و دل‌تنگی‌های دنیایی آسایش می‌یابد و آنچه را که از کالای دنیا در دست مردم است، ناچیز می‌بینیم. اما آنگاه که از حضورتان بیرون می‌رویم و با مردمان و تاجران همنشین می‌شویم، دنیا در نظرمان محبوب می‌شود».

پس از راز آن می‌پرسد. امام علیه السلام در پاسخ حمران به پرسش مشابهی اشاره می‌کنند که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله از ایشان پرسیده بودند و اینکه این دگرگونی حالات، موجب نگرانی ایشان نیز شده بود. سپس از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله، امکان تغییر حالت‌های روحی را امری می‌شمرند که مؤمنان پیوسته با آن آزموده می‌شوند (عیاشی، ۱۳۸۰، ۱، ۱۰۹). بنابراین، این حدیث می‌گوید که حالات قلبی افراد و حتی چگونگی تمایل آنان به دنیا در پی تماس با همنشینان مختلف، تغییر می‌یابد (از یک سو رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام و در طرف مقابل، مردم، تاجران، زنان و فرزندان آنان) و هر همنشینی، آثار همنشینی‌های دیگر را تضعیف یا خنثی می‌کند.

۲. نفوذ اجتماعی

برخی از احادیث از تمایل و تلاشی سخن می‌گویند که همنشینان برای همسان ساختن باورها، افکار و رفتار همنشینان با خود دارند. این سخنان نشان می‌دهند که اسلام، نفوذ اجتماعی را به چشم نوعی واقعیت در زندگی اجتماعی انسان‌ها می‌نگرد که آثار روانی، رفتاری و اجتماعی خاص خود دارد.

امام علی علیه السلام در سخنان خود، همنشینی با اشخاص تبه‌کار را نهی نموده و فرموده‌اند:

«شایسته نیست که مرد مسلمان با شخص تبه‌کار طرح برادری افکند، زیرا که او کردار خویش را بیاراید و دوست دارد که آن مسلمان، همچون او شود و او را نه در کار دنیا و نه در کار آخرتش کمک نکند و رفت و آمدش برای او ننگ است» (کلینی، ۱۳۸۶، ۴/۷۹۶).

در حدیثی دیگر از ایشان می‌خوانیم:

«همنشین بی‌خرد مباش، که کار زشت خود را زیبا جلوه می‌دهد و دوست دارد تو همانند او باشی» (فیض الاسلام، ۱۳۷۵، ۱۰۵).

در احادیث معصومان علیهم‌السلام، نکات بسیار شایان توجهی در این خصوص که همنشینی با افراد خاص می‌تواند به هم شکلی و همنوایی با آنان بینجامد، مشاهده می‌شود.

در روایتی از پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده است:

«هرکسی به دین و روش دوستش است، بنابراین باید هر یک از شما بنگرد که با چه کسی دوستی می‌کند» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۹۲/۷۱).

این تعبیر می‌تواند دو معنا داشته باشد، نخست اینکه مردم، افراد را با نگاه به همنشینان و دوستانشان ارزیابی می‌کنند و دیگر اینکه افراد واقعاً چنین تأثیری بر همنشینان خود دارند.

از امام صادق علیه‌السلام در این زمینه روایت شده است،

«با بدعت گزاران هم صحبت نشوید و با آنها همنشین نگردید تا در چشم مردم مانند یکی از آنها باشید. که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: انسان، هم‌کیش دوست و رفیق خود است.» (ابن ابی فراس، بی‌تا، ۱۶۲/۲)

حدیث زیر نیز، اثر همنوایی را در همه همنشینی‌ها ممکن می‌داند. این حدیث از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است و ایشان، آن را به نقل از پدران گرامی خود علیهم‌السلام، از امام علی علیه‌السلام روایت فرموده‌اند. در این روایت آمده است:

«همنشینی نیکان، بدان را به نیکان ملحق می‌سازد و همنشینی زشتکاران با نیکوکاران، آنان را به ایشان پیوند می‌دهد؛ پس هرگاه وضع کسی بر شما مشتبه شد و دین او را شناختید، به آنان که با او آمیزش دارند، نظر کنید، اگر اهل دین و آیین خدا باشند، او نیز اهل و پیرو آیین خداست و اگر بر آیین خدا نباشد، او نیز بهره از آیین حق ندارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۶۵/۱۶).

در یکی از نامه‌های امام علی علیه‌السلام به حارث همدانی - یکی از اصحاب امیر المؤمنین علیه‌السلام - که محور این نامه بر تعلیم مکارم اخلاق، یعنی خویهای نیکو و محاسن آداب، یعنی روش‌های پسندیده می‌باشد، آمده است:

«و پرهیز از معاشرت و یار شدن با کسی که دارای رأی و اندیشه سست و کردار ناپسند است، زیرا شخص با یارش همخو شود» (فیض الاسلام، ۱۳۷۵، ۱۰۶۷).

در بخشی از وصایای لقمان علیه السلام به فرزندش آمده است:

«ای فرزندم، هم صحبت دانشمندان باش، به آنان خود را نزدیک کن و با آنان همنشینی کن و آنان را در خانه‌هایشان زیارت کن که با این کار، مانند آنان شوی و از جمله ایشان گردی» (دیلمی، ۱۴۰۸، ۲۷۲).

چنانکه می‌بینیم در این سخن، همراهی، همنشینی و حتی رفتن به ملاقات افرادی خاص، می‌تواند از جمله عوامل مؤثر در تغییر رفتار و نگرش باشد. بنابراین با نگاهی گذرا به سخنان پیشوایان دینی و الگوهای تربیتی مکتب اسلام در باب انتخاب دوست و همنشین، می‌توان به تأثیر اجتناب‌ناپذیر معاشرت‌های انسان بر افعال و کردار مثبت و منفی او پی برد. در واقع، تمامی این سخنان و توصیه‌ها به تأثیر همنشینان فرد بر رفتارهای او اشاره دارد که چندین قرن قبل از ارائه نظریه معاشرت‌های ترجیحی ساترلند بیان شده است. به اعتقاد ساترلند نیز، معاشرت با نیکان، سطح جنایت را پایین می‌آورد و بر عکس، معاشرت با بدان و افراد بزهکار، سطح جرایم را بالا می‌برد.

نتیجه‌گیری

اثرگذاری‌ها و اثرپذیری‌های همنشینان در شمار قابل توجهی از آیات و روایات، آشکارا مورد توجه قرار گرفته است. سخنانی که در قرآن کریم و احادیث معصومین علیهم السلام درباره همنشینی و همنشینان وجود دارند، نشان می‌دهند که این منابع، آثار همنشینان را در شخصیت و رفتار فرد بسیار تعیین‌کننده و مهم می‌دانند. این منابع، بر یادگیری در خلال همنشینی و نفوذ اجتماعی، یعنی تلاش همنشینان برای همسان ساختن باورها و رفتار همنشینانشان با خود تأکید دارند. بنابراین، با توجه به عنایت قرآن و احادیث به مضمون‌گزینش همنشین، می‌توان اثرگذاری دو سویه همنشینی و رفتار مجرمانه را به آنها نسبت داد. بدین شکل که همنشینی با مجرمان، به ایجاد یا تقویت رفتارهای مجرمانه می‌انجامد. از سوی دیگر، ارتکاب این رفتارها سبب می‌شود که

مجربان در نوعی پیوندجویی طبیعی با هم‌سرخان، به همنشینی‌های مجربانه روی آورده یا آنها را تقویت کنند.

بنابراین، تأثیر معاشرت‌ها در رفتار انسان، به عنوان یکی از ابعاد مهم زندگی در آموزه‌های دین اسلام به طور جدی مورد توجه قرار گرفته و یافته‌ها حاکی از آن است که در این آموزه‌ها، پیوند همنشینی و کجروی (که مورد نظر ساترلند بوده است) مورد بررسی قرار گرفته و بدین شکل، یافته‌ها، غنای منابع دینی را در ارائه یک الگوی نظری کجروی نشان می‌دهند.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی فراس، ورام (بی تا)، مجموعه ورام، قم، مکتبه الفقیه.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶)، غرر الحکم و درر الکلم، چاپ اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. جمال‌خواه، نرگس (۱۳۸۲)، آداب معاشرت از دیدگاه قرآن کریم، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشکده اصول الدین قم .
۵. حرّ عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۶. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، (۱۴۰۸ق)، اعلام الدین، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۷. سلیمی، علی و داوری، محمد (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی کجروی، چاپ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. شعیری، تاج‌الدین (۱۳۶۳)، جامع‌ال‌اخبار، قم، رضی.
۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۴۰۳ق)، الخصال، چاپ دوم، قم، جامعه مدرسین.
۱۰. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۶ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۲. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، چاپ اول، تهران، چاپخانه علمیه تهران.
۱۳. فتال نیشابوری، محمد بن حسن (بی تا)، روضة الواعظین، قم، رضی.
۱۴. فضل‌الله، سید محمد حسین (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن، چاپ دوم، بیروت، دارالملاک للطباعة و النشر.
۱۵. فیض‌الاسلام، سید علینقی (۱۳۷۵)، ترجمه و شرح نهج‌البلاغه، چاپ پنجم، تهران، فیض‌الاسلام.
۱۶. کراچکی، ابوالفتح (۱۳۹۴ق) معدن الجواهر، تهران، کتابخانه مرتضویه.
۱۷. کراچکی، ابوالفتح (۱۴۱۰ق)، کنز الفوائد، چاپ اول، قم، دار الذخائر.
۱۸. کریمی، یوسف (۱۳۷۳)، روان‌شناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشارات بعثت.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۶)، اصول کافی، ترجمه و شرح سید مهدی آیت اللهی، چاپ اول، تهران، جهان آرا.
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ پنجم، تهران، نی.
۲۱. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، (۱۴۱۰ق)، کنز العمال، بی‌نا.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، چاپ اول، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۲۳. مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، چاپ اول، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام.
۲۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۹)، تفسیر نمونه، چاپ بیست و هشتم، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. نوری، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۷. وایت، راب و فیونا هینز (۱۳۸۶)، جرم و جرم‌شناسی، ترجمه علی سلیمی با همکاری محسن کارخانه و فرید مخاطب قمی، چاپ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۸. ویلیامز، فرانک پی و ماری لین دی، مک شین (۱۳۸۳)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمید رضا ملک محمدی، چاپ اول، تهران، میزان.
29. Akers.Ronald L (2009).Social Learning and Social Structure,Third Edition .Transaction Publishers
30. Hopkins Burke.Roger (2005).An Introduction to Criminological Theory ,Second Edition ,Willan Publishing
31. Walters .Glenn. D (1990) ,The Criminal Lifestyle .Sage Publications